

## **Analysis of the Dominant Discourse of the Novel "Al-laz" by Tahir Vatar (Based on Norman Farkloff's Critical Discourse Analysis Theory)**

**Katauon Fallahi** <sup>1\*</sup>

*Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran*

**Sobhan Shafeian** <sup>2</sup>

*MA. in Arabic Language and literature, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran*

(Received:15/05/2021 ; Accepted:28/08/2021)

### **Abstract**

*Critical discourse analysis is one of the newer approaches in discourse analysis that has recently been utilized in the examination of contemporary texts, particularly novels, to elucidate the political, cultural, and social advancements of society. Tahir Wattar's novel "Al-laz" is one of the works that can be studied in the context of critical discourse analysis. It depicts the years of struggle, armed revolution of Algerian revolutionaries, and resistance to the French occupying forces, revealing the inner divisions of the revolution. This research aims to answer the following questions: What are the most important topics in this novel according to the theory of Farkloff? The results show that the novel "Al-laz" aligns with Falklaw's critical discourse analytical model. The author employs simple language with standard vocabulary and provides precise visualizations to enhance the reader's understanding of the novel's theme. The author's ideology criticizes the reactionary and superficial thinking of the people, as evidenced by their perceptions of the story's hero and the killing of revolutionaries by other militants. The dominant theme in this novel is the struggle against colonialism, with the events and adventures of the story revolving around this central idea.*

**Keyword:** *Critical Discourse Analysis, Norman Ferklaf, Tahir vatar, Al-laz.*

---

1 . \* Corresponding Author: ktu.fallahi@yahoo.com

2 . shafeiansobhan@gmail.com

## تحلیل گفتمان غالب بر رمان «اللاز» اثر «طاهر وطار» بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف»

کتایون فلاحی<sup>۱\*</sup>

استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

سبحان شافعیان<sup>۲</sup>

دانش آموخته زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶)

صفحات: ۱۳۴-۱۱۹

### چکیده

«تحلیل گفتمان انتقادی» یکی از رویکردهای جدید در حوزه تحلیل گفتمان است که در تحلیل متون معاصر به ویژه رمان در جهت تبیین تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد استفاده قرار می گیرد. رمان «اللاز» طاهر وطار از جمله آثار است که بررسی آن در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی میسر است. رمانی که سال‌های مبارزه، نبرد مسلحانه انقلابیون الجزایر و ایستادگی در برابر نیروهای اشغالگر فرانسه را ترسیم می کند و از مسائل و اختلافات درونی انقلاب پرده برمی دارد. این پژوهش سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که مهم ترین موضوعات مطرح شده در این رمان بر اساس نظریه فرکلاف چیست. نتایج پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده حاکی از آن است که رمان «اللاز» در تناسب با الگوی تحلیلی گفتمان انتقادی فرکلاف، حاوی برآوردهایی است که عبارت‌اند از: نویسنده با زبانی ساده به دور از تکلف و با کاربری زبان معیار و نیز از رهگذر صحنه پردازی دقیق برای درک عمیق درون‌مایه رمان توسط خواننده تلاش می کند. ایدئولوژی نویسنده انتقاد از افکار سست و سطحی‌نگری مردم است که در طرز تفکر آن‌ها نسبت به قهرمان داستان و قتل انقلابی‌ها از جانب مبارزان دیگر نمود یافته است. تفکر غالب بر رمان موردنظر همان مبارزه با استعمار است که اتفاقات مختلف داستان حول این محور می چرخد و بافت موقعیتی آن نیز مربوط به دوره‌ی استعمار الجزایر است.

**کلمات کلیدی:** تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، طاهر وطار، رمان «اللاز».

۱. \* نویسنده مسئول: ktu.fallahi@yahoo.com

۲. shafeiansobhan@gmail.com

## ۱ - مقدمه

کشور الجزایر در قرن بیستم، شاهد یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌ها در تاریخ، برای بیرون راندن استعمارگرانی بود که سال‌ها بر این کشور حاکم شده، هویت و اصالت آن را نابود ساخته بودند. ادبای الجزایر در برابر این مسئله ساکت ننشستند و از همان ابتدای تسخیر کشورشان، به محکومیت اشغالگران پرداختند. در این زمان، روی سخن آن‌ها بیشتر با اشغالگران و دولتمردان ستمگر بود؛ اما به تدریج، ملت را مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را به مبارزه برای حفظ موجودیت ملی خود فراخواندند و از این زمان بود که ادبیات، شکل مقاومت به خود گرفت و عهده‌دار مسئولیت بیدارسازی ملت گردید. شاید نتوان ادب مقاومت را یک شاخه خاص از ادبیات معاصر الجزایر بین سال‌های ظهور جنبش‌های اصلاحی تا انقلاب دانست؛ چراکه کل آثار ادبی این کشور، دارای صفات و ویژگی‌های مقاومت است و انقلاب و مقاومت، محور هدف و منشأ الهام و ابتکار اکثر ادبای الجزایر بوده است. (قادری، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

جنگ جهانی دوم سبب سرعت بخشیدن به جنبش‌های آزادی‌بخش گردید و از زمانی که جنبش اصلاحی الجزایر شکل گرفت، زمینه برای ظهور ادبیات جدید و اصیل فراهم گردید و ادبا و اندیشمندان بسیاری قهرمانانه برای نجات زبان، فرهنگ و میراث ملی خویش مبارزه نمودند. ادبا به این ترتیب، تصویر مبارزه ملتی را که در طول دوره استعمار متحمل ظلم فراوانی گردیده بود، به جهانیان انتقال دادند. (شرف، ۱۹۹۱: ۶۷)

رمان یکی از برجسته‌ترین انواع ادبی در دوران معاصر به شمار می‌رود. نویسندگان عرب نیز تحت تأثیر آثار رمان‌نویسی غرب، با این نوع ادبی آشنا شدند. در این میان کشور الجزایر با توجه به تجربه تلخی که از یک قرن ماندن تحت استعمار فرانسه داشت، دیرتر از دیگر کشورهای عربی با هنر رمان‌نویسی آشنا شد. نخستین رمان‌هایی که در این کشور پا به عرصه ظهور نهادند، به زبان فرانسوی نوشته می‌شدند و تا بعد از استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲ هیچ رمانی در آنجا به زبان عربی نگاشته نشد. «طاهر وطار» از جمله نویسندگانی بود که نخستین گام‌های رمان‌نویسی عربی در الجزایر را برداشت و خود را به عنوان بزرگ‌ترین رمان‌نویس الجزایر، به دنیای عرب معرفی کرد (سعد، ۲۰۰۰: ۲۴).

## ۲. بیان مسئله

«گفتمان» معادل واژه فرانسوی Discourse، اصطلاحی زبان‌شناختی است که به سرعت وارد علوم انسانی شد و کاربردی وسیع یافت. «گفتمان عبارت از زبان به هنگام کاربرد به منظور برقراری ارتباط است» (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۶). در زبان عربی، واژه «خطاب» معادل گفتمان و به معنای کلام تعریف شده است. (ابن منظور، ۱۹۹۲: ۱/۳۶۰). «یورگنسن»<sup>۱</sup> و «فیلیپس»<sup>۲</sup> گفتمان را «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن» می‌دانند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷). این رویکرد نوین در دهه‌های اخیر در طیف وسیعی از پژوهش‌ها در رشته‌های ادبیات و روان‌شناسی به کار گرفته شده است. اگرچه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی رابطه زبان، قدرت، ایدئولوژی و گفتمان را در اولویت قرار می‌دهد، اما ادبیات ملت‌ها را نیز می‌توان در چارچوب گفتمان انتقادی و نقد زبان‌شناختی تحلیل و تفسیر کرد.

طاهر وطار به عنوان یکی از رمان‌نویسان مطرح الجزایر، هم‌دوره استعمار و هم استقلال الجزایر را تجربه کرده است. وطار در دوره استعمار، حضور فرانسویان در سرزمینش را مانع آزادی و برابری می‌دانست و زندگی خودش را وقف فعالیت‌های

1 . Jurgensen

2 . Philips

سیاسی در احزاب آزادی بخش الجزایر کرد و در صدد تحقق آزادی و استقلال کشورش برآمد. سیاست تا حدی با تفکر و زندگی وی آمیخته شده بود که در تمامی آثارش، مخصوصاً در زمینه رمان، سیاست به عنوان موضوع و خمیرمایه آثارش است. رمان «اللاز» یکی از نمونه های موفق رمان سیاسی در ادبیات الجزایر و ادبیات عربی محسوب می شود. وطار در این رمان، به مسائل سیاسی موجود در جامعه الجزایر همچون: استبداد، دیکتاتوری، عقاید کمونیستی، دفاع از طبقه کارگر و محروم جامعه و ... پرداخته است

در این نوشتار، رمان «اللاز» بر اساس رویکرد «نورمن فرکلاف» که جامع ترین چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به حساب می آید (سرابی و همکاران، ۱۳۷۸) بررسی شده است. فرکلاف یکی از شخصیت های شاخص در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نظر او، تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که در کنار سایر روش ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می شود. با در نظر داشتن این نکته که تحلیل متون جدید، به ویژه رمان، در شناسایی علل تغییر و تحول فرهنگی و اجتماعی جهان معاصر نقش بسزایی دارد، بیان گفتمان غالب بر متون و جهت دهی آن ها از ضرورت های تحلیل متون ادبی معاصر است. در پژوهش پیش رو تلاش شده است، رمان «اللاز» بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، با اتکا به روش توصیفی-تحلیلی بررسی گردد تا آنچه که در ورای الفاظ و عبارات و تصویرپردازی های رمان وجود دارد بیش از پیش فراروی خواننده قرار گیرد و جهان بینی نویسنده آشکار و در نهایت نیز پرده از مفاهیم عمیق و پنهان متن برداشته شود.

جستار حاضر بر آن است تا در پی تحلیل متن رمان، به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- مهم ترین موضوعات مطرح شده در این رمان بر اساس نظریه فرکلاف چیست؟

۲- وطار چگونه توانسته است به تبیین مفاهیم بپردازد؟

فرکلاف تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می کند که عبارت اند از:

#### - سطح توصیف

در این مرحله، متن جدای از سایر متن ها و زمینه و اوضاع اجتماعی، بررسی می شود. مجموعه ویژگی های صوری که در یک متن یافت می شوند، می توانند به عنوان انتخاب هایی خاص از میان گزینه های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آن ها استفاده می کند. این تحلیل، تحلیل انتزاعی متن است. فرکلاف تحلیل انتزاعی متن را در سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن بررسی می کند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۷۱)

#### - سطح تفسیر

متون بر اساس پیش فرض هایی که به ویژگی های متنی ارزش می دهند، تولید و تفسیر می شوند... از نظر فرکلاف، قلمروهای تفسیر زمینه متن مانند زمینه های بینامتنی بر آگاهی های پیشین، مانند نظم های اجتماعی و کنش متقابل تاریخی منطبق است. در این سطح که بافت یا زمینه و تفسیر مشارکین گفتمان از بافت موقعیت و بینامتنی مطرح می شود، انواع گفتمان و تغییر و تحولات بررسی می شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

### - سطح تبیین

در این مرحله محقق به تحلیل متن به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت می‌پردازد و با بهره گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای به عنوان شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش یادشده بازتولید خواهد شد. بازتولید، مراحل گوناگون تفسیر و تبیین را به هم پیوند می‌زند؛ زیرا درحالی که تفسیر چگونگی بهره جستن از دانش زمینه‌ای را در پردازش گفتمان مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد (فرکلاف ۱۳۷۹: ۲۴۵).

### ۳. پیشینه پژوهش

درباره پژوهش‌هایی که در زمینه تحلیل گفتمان نوشته شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مقاله «بررسی رمان «الصبار» سحرخلیفه بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» نویسندگان: عباسی و عبدی، مجله نقد ادب معاصر عربی (۱۳۹۱). در این پژوهش ابتدا به جهان‌بینی سحرخلیفه پرداخته شده، آنگاه بافت موقعیتی رمان (رویکرد اجتماعی) و در ادامه بافت بیرونی متن توصیفی (رویکرد ساختگرایی و زبان‌شناختی) و بافت درونی (عاطفه، فکر) پردازش شده است.

- مقاله «کاوشی در معانی ثانوی و داده‌های درونی رمان «زقاق‌المدق» بر پایه روش گفتمان کاوی انتقادی فرکلاف» نویسندگان: دهنوی و دیگران، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، (۱۳۹۶). بر اساس این پژوهش گفتمان رمان، گفتمانی ضد استعماری و انتقادی است که در آن به رابطه متن رمان با عوامل فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی توجه شده و ارتباط میان پیام‌های درون‌متنی با داده‌های برون‌زمانی متن بررسی و مفاهیم ثانوی و نهفته متن نشان داده شده‌اند.

- مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی اشعار زینب حبش» نویسندگان: ملابراهیمی و آبیاری، مجله زن در فرهنگ و هنر (۱۳۹۵). در این مقاله با استفاده از الگوی فرکلاف بر اساس رویکرد اجتماعی به تحلیل گفتمان شعری شاعر پرداخته شده، چگونگی پیوند آثار ادبی او را با شرایط حاکم بر جامعه اشغالی فلسطین بررسی و ویژگی‌های برجسته واژگانی و سبکی زینب حبش را بیان کرده‌اند.

در رابطه با بررسی رمان‌های «الطاهر و طار» نیز می‌توان به این مقالات اشاره کرد:

- مقاله «رویکردی جامعه‌شناختی بر آثار طاهر و طار، مطالعه مورد پژوهانه: رمان زلزلال بر اساس الگوی لوسیان گلدمن» نوشته: عبدی، مجله لسان مبین، (۱۳۹۱). نویسنده مقاله، رمان زلزلال را بیان‌کننده اندیشه‌ها و دیدگاه‌های طاهروطار می‌داند و بر این باور است که نویسنده رمان، سوسیالیسم را راه چاره‌ای برای درد و رنج‌های الجزایر می‌داند. این رمان پیکار گفتمان طبقات است.

- مقاله «رویکرد واقع‌گرایانه تاریخی در رمان زلزلال طاهر و طار» نویسندگان: روشنفکر و دیگران، مجله جامعه‌شناسی تاریخی (۱۳۹۵). نویسندگان به این نتیجه دست یافته‌اند که اندیشه سوسیالیستی حاکم بر رمان زلزلال در مسائلی چون تبعیض‌های اجتماعی، عدم امنیت، ظلم و جور و... نمود پیدا کرده و نویسنده با خلاقیت ادبی خویش موضوعات مهمی همچون اصلاحات ارضی و یا انقلاب کشاورزی را بازآفرینی نموده است. آنان رویکرد و طار را در این رمان، واقع‌گرایانه

تاریخی توصیف نموده‌اند.

- مقاله «الشخصیات الثوریة فی روابیة اللاز للطاهر وطار» نویسنده: زوزو، مجله المخبر، أبحاث فی اللغة والأدب الجزائری (۲۰۱۱). نویسنده در این مقاله با توجه به مفهوم مقاومت و پایداری حاکم بر متن رمان، به یکی از عناصر مهم داستان - شخصیت - پرداخته و گفتار و عملکرد شخصیت‌های انقلابی آن را مورد نقد و تحلیل قرار داده است. همان‌طور که در سطور فوق مشاهده می‌شود هیچ یک از پژوهش‌های مذکور به بررسی رمان «اللاز» بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان «نورمن فرکلایف» نپرداخته است.

#### ۴. زندگینامه طاهر وطار

«طاهر وطار» در ۱۵ آگوست ۱۹۳۶ در شهر «سوق اهراس» در استان «صدراته» در شرقی‌ترین نقطه الجزایر به دنیا آمد (کامبل، ۲۰۱۰: ۳۷۱). وی در سن هفده سالگی به دانشسرای دینی «شیخ عبدالحمید بن بادیس» در قسطنطنیه رفت. در این دانشسرا با ادبیات آشنا شد (ملاحی، ۲۰۱۱: ۱۰/۴). در سال ۱۹۵۴ با آغاز انقلاب الجزایر، به تونس رفت و تحصیلات خود را در دانشگاه «زیتونه» ادامه داد. وطار در تونس، به دنیای ادبیات داستانی نمایش‌نامه‌های عربی و آثار غربی ترجمه شده، قدم گذاشت و روحیه ابداع در او شکل گرفت. در همین شهر بود که با اندیشه‌های مارکسیستی آشنا و بدون اطلاع جبهه آزادی‌بخش، بسیاری از مبادی فکری آن را پذیرفت. وی در سال ۲۰۱۰ برای همیشه با دنیای ادب وداع گفت (کامبل، ۲۰۱۰: ۳۷۱). وی در سال ۱۹۵۶ به عضویت جبهه آزادی‌بخش الجزایر درآمد و در جریان آزادی کشور الجزایر از استعمار فرانسه در سال ۱۹۶۳ م فعالیت مستمر داشت و تا سال ۱۹۸۴ م همچنان در عضویت این جنبش باقی ماند. از وطار رمان‌های متعددی منتشر شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «اللاز» ۱۹۷۴ م، «الزلزال» ۱۹۷۴، «ماهی‌ها و کاخ» ۱۹۷۵ م اشاره کرد.

#### ۵. خلاصه رمان «اللاز»

در این روایت، «لاز» شخصی است شرور و بی‌بندوبار که در خدمت استعمارگر قرار گرفته است. وطار «لاز» را فردی آشوبگر مجسم می‌کند که مردم آرزوی مرگ وی را دارند. سرانجام راز بزرگ برملا می‌شود و ارتش فرانسه از نفوذی بودن او اطلاع می‌یابد و او را شکنجه می‌کند؛ اما در اثر حادثه‌ای ارتش راهی مأموریتی می‌شود و «لاز» موفق به فرار می‌گردد. او به گروه پدرش - زیدان - می‌پیوندد و به آرزویش برای رسیدن به پدر می‌رسد. پدر او در نتیجه اختلاف عقیده با انقلابی دیگر به نام شیخ یمنی کشته می‌شود؛ زیرا زیدان گرایش‌های کمونیستی دارد و شیخ به او فرصت می‌دهد تا از عقاید خود باز گردد، اما زیدان امتناع می‌کند و بدین ترتیب ماجرا با مرگ یک انقلابی به دست مبارزی دیگر ادامه می‌یابد و به سبب عدم تحمل اندیشه مخالف، تفرقه‌ای عمیق میان آن‌ها رخ می‌دهد. سرانجام داستان با تصویر «لاز» در شکل انسانی مجنون و سرگشته از اتفاقات انقلاب به پایان می‌رسد، درحالی که فقط رمز بین انقلابیون را بر زبان جاری می‌کند که آن رمز این عبارت است: «ما یبقی فی الوادی غیر حجاره»<sup>۱</sup> (همان: ۲۲۰).

۱. در صحرا جز سنگ‌های آن باقی نمانده است.

## ۶. تحلیل گفتمان انتقادی رمان «اللاز»

### ۶-۱. سطح توصیف

۶-۱-۱. در این قسمت مهم‌ترین مفاهیم و واژگانی که از لحاظ ظاهری در سیر فرآیند داستان مؤثرند بررسی می‌شوند:

### - انقلابی، مبارزه، ایثار و فداکاری

«لاز» شخصیت اصلی و قهرمان داستان است که در متن داستان به جهت فداکاری و حماسه‌هایش، به آمال و آرزوی مردم ستم‌دیده و انسانی قابل اعتماد و جان‌برکف توصیف شده است: لَقَدْ كُنْتُ دَائِمًا أَعْلَقُ عَلَيْكَ آمَالًا كَبِيرَةً وَ كُنْتُ أَثِقُ فِي أَنْكَ كَنْ تَخُونُ أَبَدًا<sup>۱</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۵۵)

او نمادی از مردم انقلابی الجزایر است یا اللاز... إِنَّكَ الشَّعْبُ بَرْمَتُهُ<sup>۲</sup>. (همان: ۱۵۲) که روحیه مقاومت و ایستادگی وی در برابر شکنجه‌ها در رمان به وضوح بیان شده است: لَنْ أَعْتَرَفَ وَ إِنْ اقْتَضَى مَوْتِي تَحْتَ التَّعْذِيبِ<sup>۳</sup> (همان: ۶۲) فداشدن در راه آزادی وطن، از آرمان‌های انقلابیون میهن‌پرست است که بارها در رمان از زبان قدور و دیگر شخصیت‌های مبارز داستان، تکرار شده است: أَرِيدُ أَنْ أَكُونَ جُنْدِيًّا... بِنُدُقِي أَقْتُلُ الْعَسْكَرَ<sup>۴</sup> (همان: ۴۳)

وطار همچون بسیاری از رمان‌نویسان عرصه استعمارستیزی و مقاومت، متن اثر خویش را صحنه تقابل مرگ و زندگی، فقر و ثروت، ظلمت و روشنائی قرار داده (دهنوی و دیگران، ۱۳۶: ۱۳۹۶)، تنها راه رسیدن به آزادی اجتماعی و رهایی از فقر و جهل را انقلاب و مقاومت می‌داند:

حَمَوِيْرِي أَنْ الْوَضْعَ الَّذِي أَصْبَحَ عَلَيْهِ النَّاسُ مِنْ فَقْرٍ وَ بؤْسٍ وَ عُرْيٍ وَ جَهْلِ وَ مَرَضٍ وَ ظُلْمٍ وَ جَوْرِ، يَجْبِرُهُمْ عَلَى الْعَمَلِ مِنْ أَجْلِ التَّخْلِصِ مِنْهُ وَ هَذَا الْعَمَلُ لَيْسَ سِوَى الثَّوْرَةِ<sup>۵</sup>. (همان: ۴۰) حمو یکی دیگر از شخصیت‌های مبارز داستان نیز با ذکر کشورهای غیرمسلمانی که همچون الجزایر برای مدتی مستعمره بودند و سرانجام و آزادی‌خواهی از یوغ استعمار رها شدند غیرت و وجدان مسلمانان الجزایر را تحریک و بیدار می‌کند:

فَفِي الْهِنْدِ... أَنَا سِوَى مِثْلِنَا وَ لَوْ أَنَّ دِينَهُمْ يَخْتَلِفُ عَنْ دِينِنَا... كَانَ يَحْكُمُهُمُ الْفَرَنْسِيُّونَ فَتَارُوا عَلَيْهِمْ وَ غَلَبُوهُمْ وَ هَرَبَتِ فَرَنْسَا مِنْهُمْ...<sup>۶</sup>. (همان: ۲۷)

پس انقلابی بودن تنها راه ایجاد تغییر و تحول و اعتلای شخصیت انسان است: الثَّوْرَةُ تَحَوَّلُ الْإِنْسَانَ وَ مَادَامَتْ عَمِيقَةً، فَإِنَّ

۱. همیشه به تو امیدهای بزرگی بسته بودم و مطمئن بودم تو هرگز خیانت نمی‌کنی.

۲. ای لاز... تو تمام ملتی.

۳. هرگز اعتراف نخواهم کرد؛ حتی اگر زیر شکنجه بمیرم.

۴. می‌خواهم یک سرباز باشم... با تفنگم نیروهای دشمن را بکشم.

۵. حمو شاهد فقر و درماندگی، برهنگی، جهل، بیماری و ستم به مردمانی است که تلاش برای رهایی از این اوضاع دارند و تنها راه ممکن انقلاب می‌باشد.

۶. در هند مردمانی مثل ما وجود دارند، هرچند که دین آن‌ها با دین ما فرق دارد... فرانسه بر آنان حکومت می‌کرد؛ اما علیه فرانسه قیام کردند و فرانسه شکست‌خورده از آنجا گریخت... .

التَّحَوُّلَ يَحْدُثُ بِسُرْعَةٍ<sup>۱</sup> (همان: ۴۹)

زبان طاهر وطار در این اثر روان و ساده و برای خوانندگان قابل فهم است. اسلوب بیان استوار، متین و دارای صداقت لحن و بیانگر توانایی و مهارت نویسنده است.

### - فرادست و فرودست

در جامعه‌ای که وطار بر اساس تجربه‌های شخصی خود از حوادث انقلاب و دوران استعمار، در این رمان خلق کرده، ساکنان روستا را به دو قطب فرادست (استعمارگران فرانسوی) و فرودست (مردم روستا) تقسیم نموده است. در این روستا، کاخ و کوخ در کنار هم قرار دارند. کسانی امثال حاج «طاهر» و حاجی‌های دیگر که شکم خود را انباشته از حرام کرده‌اند و کسانی مثل «مریانا» که برای به دست آوردن لقمه نانی دست در گریبان مشکلات می‌شود. «حمو» در گفت و گو با «قدور» قصد دارد که تفاوت بین مردم عامی روستا را با ثروتمندان روستا، برای «قدور» آشکار کند و استعمار را عامل پیدایش این اختلاف شدید طبقاتی می‌داند: ریمون شیخ بلدیة، وجان جون و موريس في ضيعاتهما وخماراتهما، والحاج الطاهر وكلُّ الحجاج في قُصورهم. اللاز ومريانة أمه في الكوخ والتَّحْدِي والمشاكل، والشوامبيطُ يتسلطن، وينتفخن بالحرام<sup>۲</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۳۱).

استعمار نه فقط بهره‌برداری‌های کلان دولت‌های استعمارگر، بلکه پیشرفت اقتصادی خرده بورژواهای نوپا را نیز به ارمغان می‌آورد. از مفاهیمی که نویسنده رمان در متن روایت به آن می‌پردازد، چالش‌های ذهنی‌ای است که قشر روشنفکر و حتی عامه را به خود مشغول می‌کند و آن، وجود ثروتمندان و حاجی‌هایی است که نسبت به وطن، همان موضعی را دارند که فرانسوی‌ها دارند. تصاحب زمین‌ها و ثروت الجزایر توسط مهاجران فرانسوی که برای کسب ثروت و قدرت به این کشور آمده‌اند، مال‌ومنالی برای یک الجزایری باقی نمی‌گذارد؛ چرا که کشاورزی و صنعت به‌طور کلی از دست استعمار زده خارج شده است؛ لذا اگر حاج طاهر و امثال او، هنوز ثروت خود را از دست نداده‌اند، مفهومی جز این ندارد که آن‌ها خائنانی هستند که بازوی استعمار را گرفته تا منافعشان به خطر نیفتد. استعمار نیز بعد از ورودش به هر مستعمره‌ای، برای تداوم حضور خود، به چنین بازوهایی نیاز دارد. در قسمتی از رمان مشاهده می‌کنیم که زیدان این‌گونه افراد را در دشمنی با الجزایر، کمتر از خود فرانسویان نمی‌داند و آنان را مورد نقد قرار می‌دهد: اَنَّ الْأَغْنِيَاءَ مَثَلَهُمْ مَثَلُ الْمُسْتَعْمَرِينَ<sup>۳</sup> (همان: ۱۰۱). ریمون، جان جون و موريس نیز از مهاجران اشغالگری هستند که با خرید املاک و زمین‌های صاحبان اصلی این سرزمین در ازای بهایی ناچیز، سکان اقتصادی کشور را در دست گرفته و مردم را به فقر و بیچارگی دچار ساختند.

### - هویت

اساس یک ملت را هویت و گذشته آنان می‌سازد؛ لذا استعمارگر در اولین قدم در جهت تحقق خواسته‌هایش سعی در

۱. انقلاب تا زمانی که عمیق باشد سبب تحول و دگرگونی انسان می‌شود، همانا تحول به‌سرعت اتفاق می‌افتد.

۲. ریمون شهردار است. جان جون و موريس در مزرعه‌ها و شراب‌خانه‌های خود هستند و لاز و مریانا در کلبه خرابه‌ها، به مشکلات و سختی‌های زندگی دچارند. شامبیط‌ها بر دیگران تسلط دارند و شکم‌هایشان مملو از حرام است.

۳. مثل ثروتمندان الجزایر درست مثل همان استعمارگران است.



تحقیر و کم‌رنگ کردن هویت مردم استعمارزده می‌کند تا آنان را دچار خودکم‌بینی کرده و بتواند از این طریق خود را برتر نشان داده، فرهنگ خود را به مردمی که اساس هویتشان زیر سؤال است، تحمیل کند؛ مانند احترام گذاشتن بعطوش الجزایری به پرچم فرانسه که برخلاف میل باطنی و به جهت موقعیت فرودستی‌اش آن را انجام می‌دهد:

حَيَّا بَعطُوشُ الْعَلَمَ وَ شَعَرَ بِنُوعِ مِنَ التَّائِثِ لَمْ يَتَعَوَّدَ الشُّعُورُ بِهِ لَعَلَّهُ لَأَنَّهُ يُحْيِي لِأَوَّلِ مَرَّةٍ الْعَلَمَ الْفِرْنَسِيَّ، إِلَّا أَنَّهُ مَعَ ذَلِكَ فَكَّرَ فِى غَطْسِ الْعَلَمِ فِي الْبِنَزِينِ وَ إِشْعَالِهِ (وطار، ۲۰۰۷: ۱۴۷)

در قسمت دیگری از رمان شاهد مکالمه‌ای طولانی میان لاز و زیدان هستیم، مکالمه‌ای مملو از جملات پرسشی که ریشه در بی‌هویتی و سردرگمی لاز دارد که ناشی از حضور اشغالگران در سرزمین مادری آن‌ها و ازهم‌پاشیدگی کانون گرم خانواده‌های بومی است:

طَاطَأَ رَأْسَهُ فِى خَجَلٍ... مَاذَا تَحَرَّكَ فِى ضَمِيرِهِ؟... هَلْ أَصَارِحُهُ بِالْحَقِيقَةِ الْكُبْرَى؟ ... آه، كَيْفَ أَبَادِرُهُ؟ كَيْفَ أَبْرُرُ صَمْتَ كُلِّ السَّنِينِ الطَّوَالِ؟<sup>۲</sup> (همان: ۱۱۴-۱۱۳)

از آنجا که محتوای رمان «اللاز» مبارزه با استعمار است، اهتمام به میراث و داشته‌های فرهنگی و فولکلوریک الجزایر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که نویسنده از این امر به خوبی آگاه است. سنت‌های جهان عرب در برابر فرهنگ و سنت غرب می‌ایستد تا از موجودیت و اعتبار خود دفاع کند؛ بنابراین نویسنده در این رمان، گرچه از برخی عادت‌های مردم در مواجهه با «لاز» ابراز نارضایتی می‌کند؛ اما به آداب و سنن کهن اهتمام خاصی دارد؛ به عنوان نمونه، وطار می‌گوید: لَمْ تَكُنِ الثَّوْرَةُ أَتْنَدُ مُنْدَلَعَةً... وَقَدُورُ كَانَ يُحِبُّ السَّهْرَ كَثِيرًا، لَا فِى الْمَقَاهِى، إِنَّمَا تَحْتَ جُدْرَانِ مَنْزِلِهِ... حَيْثُ يُفْرَشُ كَيْسًا يُجْلِسُ هُوَ وَ صَدِيقُهُ.<sup>۳</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۲۲). در اینجا به زندگی ساده و سنتی مردم روستا و صمیمیت میان آن‌ها، پیش از اشغال الجزایر اشاره شده است.

### - جنسیت (زن)

زنان در این روایت نقش بارزی در انقلاب الجزایر و پیشبرد آن ندارند، البته نویسنده در بیان خشونت جنسی استعمارگران در کنار تفکرات سنتی و بافت مردسالارانه الجزایر در متن بی‌توجه نبوده است:

مریانا نمادی از زنان فرودست و قربانی استعمار است. زنی بیوه، بی‌سواد و تهیدست که برای امرار معاش خود و فرزندش به‌سختی کار می‌کند و گاه به‌وسیله اطرافیان مورد تحقیر و تهمت واقع می‌شود: أَنْ اللَّعِينَةَ تَتَاجَرُ بِأَعْرَاضِ الْبَيْسَاتِ

۱. بعطوش نیز - همراه فرانسوی‌ها - به پرچم فرانسه ادای احترام کرد، حسی داشت که قبلاً آن را تجربه نکرده بود. شاید به این خاطر بود که برای اولین بار به پرچم فرانسه ادای احترام می‌کند. با این وجود او به این اندیشید که پرچم فرانسه را در غرق در بنزین کند و آن را آتش بزند.

۲. لاز با خجالت سرش را پایین انداخت. چه انگیزه‌ای در وجدانش حرکت کرده

؟... آیا حقیقت بزرگ را صراحتاً به او بگویم؟ آه، چگونه به او بگویم؟ چگونه سکوت این سال‌ها را توجیه کنم؟

۳. انقلاب آن زمان شعله‌ور نشده بود... و قدور شب‌زنده‌داری را بسیار دوست می‌داشت؛ اما نه در قهوه‌خانه‌ها بلکه زیر دیوار خانه اش... به‌طوری که زیراندازی را با دوست خود پهن کرده و روی آن می‌نشستند

الفقیرات<sup>۱</sup> (همان: ۱۰)

اوج جنایت اشغالگر نسبت به زن را زمانی می توان حس کرد که با سوءاستفاده از نسبت خویشاوندی، مردان را به اعمال خشونت به زنان وادار می کنند؛ همانند سرنوشت حیزه که با دستور افسر فرانسوی مورد تجاوز خواهرزاده خویش واقع می شود (۸۴) و یا سرنوشت غمبار زینت که پاداش خیانت خود فروخته ای گردید: *أَتَزَوَّجُهَا دُونَ مَهْرٍ وَ دُونَ خُطُوبَةٍ*<sup>۲</sup>. (همان: ۱۱۹)

تاریخ مبارزه هشت ساله الجزایر مملو از چنین جنایتهایی است که الجزایری های گماشته و خائنین، در حق هم وطنان خود انجام داده اند.

#### ۶-۱-۲. انسجام

انسجام که یکی از پایه های اساسی تحلیل گفتمان به شمار می رود «همان اتصال واژگانی - دستوری در ساخت کلام است که با ایجاد ارتباط بین زنجیره ای از جملات آن ها را تحت عنوان یک کل یکپارچه از جملات درمی آورد» (نظری و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۸). تکرار و ارجاع از جمله مباحث اصلی انسجام است:

#### - تکرار

رمان، جهان کوچکی از جهان بزرگ ماست. یکی از ویژگی های زندگی، تکرار مداوم آن است. پس تکرار یکی از ویژگی های ادبیات جاویدان است؛ «زیرا هنگامی که چیزی برای انسان مهم و ارزشمند باشد بعضی از مفاهیم و افکار یا عبارت های آن را تکرار می نماید» (مرتاض، ۱۹۹۱: ۲۱۰).

وطار در رمان «لاز» که با افکار ضد استعماری به رشته تحریر در آمده است، با تکرار ماجراها و عبارات خاص، سعی در انتقال مفاهیم واقعی داستان به خواننده را دارد. نویسنده با ذکر ارتباط نامشروع فرمانده ارتش با لاز و بعطوش و تکرار تجاوز عنف به زنان از طرف افسران و جاسوسان سعی دارد تا اوج پستی و رذالت استعمار را نمایان سازد. همزمان او با تکرار برخی عبارات و اصطلاحات، افکار خاصی را به خواننده منتقل می کند. از جمله این عبارات، اصطلاح ذیل است: *بِیَقَى فِی الْوَادِی غَیْرُ حِجَارِهِ* (وطار، ۲۰۰۷: ۸). این جمله از جملاتی است که دارای چند معناست و ایده خاصی را به مخاطب منتقل می کند و بارها توسط «لاز» قهرمان و شخصیت اول داستان در شرایط مختلف تکرار می شود. در ابتدا این جمله به عنوان رمز میان انقلابی های گروه زیدان به کار می رود و در ادامه به شرایط الجزایر اشاره دارد که در اثر استثمار مردمانش چیزی از آن باقی نمانده است؛ و نیز هنگامی که سر زیدان توسط شیخ از تن جدا می شود، لاز با ناله و شیون این جمله را می گوید و به مخاطب این معنا القا می شود که وقتی در اثر اختلاف عقیده مبارزی توسط مبارز دیگر کشته می شود، دیگر چیزی از الجزایر در مقابل هجوم استعمار باقی نمی ماند.

از دیگر واژگان پرتکرار در متن رمان، واژه «تضحیه» به معنای فداکاری است که نویسنده با تکرار این واژه سعی دارد

.....  
۱. این زن لعنتی، به واسطه پسرش با عرضه کردن زنان بیچاره فقیر معامله می کند. او سرانجام به دست یکی از بستگانش با دستور افسر فرانسوی به قتل می رسد.

۲. بدون مهریه و خواستگاری با او ازدواج خواهد کرد.

مخاطبان خود را به فداکاری و شهادت در راه الجزایر تشویق نماید: یا للتَّضْحِيَةِ التي تسودُ كلَّ شيءٍ في هذا العملِ الذي تقومُ به. وخيّلَ إليه أنَّ الثَّورَةَ لَيْسَتْ سِوَى شيءٍ واحدٍ ... هذا الشيءُ هو التَّضْحِيَةُ ... التَّضْحِيَةُ بِكُلِّ شيءٍ، وفي عمقها الكبير ... لَيْسَتْ الثَّورَةُ غَيْرَ التَّضْحِيَةِ<sup>۱</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۳۴).

## - ارجاع

منظور از ارجاع، کاربرد انواع مختلف ضمیر در متن است. استفاده از ضمیرهای غائب و متکلم و مخاطب یکی از عوامل پیوستگی در متن رمان الاز است. در بخش آغازین رمان، وطار از ضمائر غائب و سپس ضمیر متکلم بسیار استفاده می‌کند. این استفاده از ضمیرها در همه اجزای رمان وجود دارد. به عنوان مثال: **إِنَّهُمْ كَعَادَتِهِمْ، كَلَّمَا تَجَمَّعُوا فِي الصَّفِّ الطَّوِيلِ، أَمَامَ مَكْتَبِ الْمَنَحِ، لَا يَتَحَدَّثُونَ إِلَّا عَن شُهَدَائِهِمْ، وَالْحَقُّ أَنَّهُ لَيْسَتْ هُنَاكَ، غَيْرَ هَذِهِ الْفُرْصَةِ، لِتَنْذُرِهِمْ، وَالتَّرْحُمِ عَلَي أَرْوَاحِهِمْ، وَالتَّغْنَى بِمَفَاخِرِهِمْ ... فَهُمْ كَكُلِّ مَاضِي يَسِيرُونَ إِلَى الْخَلْفِ، وَنَحْنُ كَكُلِّ حَاضِرٍ، نَسِيرُ إِلَى الْأَمَامِ...**<sup>۲</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۷-۸). ضمائر غایب و متکلم دلالت بر گفت‌وگوی غیرمستقیم دارد و از روشهایی است که سبب می‌شود شنوندگان را با فضای گذشته - به خصوص شهیدانی که جان خود را در راه وطن از دست داده‌اند - آشنا کند و آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، کاری که وطار توانسته به خوبی آن را انجام دهد.

## ۶-۲. سطح تفسیر

توجه به بافت موقعیتی و بینامتنی از جمله موارد مورد نظر فرکلاف در سطح تفسیر است:

## ۶-۲-۱. بافت زمانی

زمان این رمان به دوران اشغال الجزایر توسط فرانسه برمی‌گردد. انقلاب الجزایر، تلاش مردمی است برای آزادی و رهایی؛ انقلابی که به اهداف اعلام شده خود رسید. در سوم ژوئیه ۱۹۶۲ کشور الجزایر پس از سال‌ها که تحت سلطه فرانسه بود، به استقلال رسید و در هشت اکتبر همان سال به نام «جمهوریه الجزایر الديموکراتیه الشعبيه» به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. از سال ۱۹۵۴ میلادی تا روز استقلال «جبهه آزادی بخش ملی» مبارزه مسلحانه خود را علیه اشغالگران فرانسوی به شدت ادامه داد. ملت الجزایر یک میلیون قربانی داد و در تاریخ کشورهای عرب و شمال آفریقا، الجزایر به عنوان «أرض میلیون شهید» معروف شد (ماله، ۱۳۴۰: ۶۴/۳).

رمان «اللاز» یکی از آثاری است که با مضمون ضد استعماری و با هدف آگاهی هر چه بیشتر مردم از گذشته در قالب داستان به بیان آلام و رنج‌های مردم در زیر سلطه استعمار می‌پردازد. نویسنده از زبان «حمو» یکی از مبارزان، در توصیف

۱. عجب اثری! که سطره دارد بر هر کاری که انجام می‌دهیم و به نظرش آمد که انقلاب جز یک چیز نیست... و آن همان فداکاری است... جان‌فشانی و از جان گذشتن با همه چیز و به معنای واقعی... از جان گذشتن همان انقلاب است...
۲. آن‌ها طبق عادتشان هر وقت در صفی طولانی مقابل سازمان بورس اجتماع می‌کردند، فقط درباره شهیدان خود سخن می‌گفتند و حقیقتاً آنجا تنها فرصتی بود که شهیدان خود را به یاد می‌آوردند و برای ارواحشان رحمت و درود می‌فرستادند و در مورد افتخاراتشان شعر می‌سرودند... آن‌ها مانند همه گذشتگان به عقب رفتند و ما مثل همه حاضرین به سوی جلو حرکت می‌کنیم...

شرایط اجتماعی و فرهنگی در زمان استعمار می گوید: وَمُجْتَمِعٌ أَشَدُّ تَخَلُّفًا مِنْ مُجْتَمَعَاتِ الْقُرُونِ الْوَسْطَى... مجتمَعٌ رَعْوَى ضارِبٌ فِي التَّأخَّرِ وَالانْتِفَاقِ<sup>۱</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۸۸). این توصیف اجتماعی و فرهنگی بیانگر شرایط نابسامان و وضعیت اسفبار مردم تحت سلطه استعمار است؛ زیرا که آنان برای غارت و چپاول ثروت‌ها و منابع کشورها دست به لشکرکشی می‌زدند و هرگز به فکر معیشت مردم و رفاه آنان نبودند.

### ۲-۲-۶. بافت مکانی

صحنه‌پردازی یکی از عناصر گفتمان کاوی رمان است که می‌توان آن را به عنوان ارائه تجربه حسّی از طریق زبان تعریف کرد و جان مایه اصلی آن قوه تخیل است. صحنه‌پردازی در این رمان تحت تأثیر درگیری میان انقلابی‌ها و استعمارگران بیشتر رنگ و بوی جنگی دارد. نویسنده با به تصویر کشیدن صحنه‌های درگیری و یا محل استقرار ارتش فرانسه و صحنه‌های دیگر جنگی، خواننده را با فضای ملتهب موجود در روستا آشنا می‌سازد. او نابودی اردوگاه ارتش فرانسه به دست «بعطوش» را چنین توصیف می‌کند: تَلَّاتِ الْانْفِجَارَاتُ...، وَتَسَارَعُ الْعَسَاكِرُ مِنْ هُنَا وَهُنَا،... بَعْضُهُمْ يَسْقُطُ مِنْ جَرَاءِ الشَّطَايَا الْمُتَطَايِرَةِ، وَبَعْضُهُمْ يَصْرُخُ...<sup>۲</sup>. (وطار، ۲۰۰۷: ۲۱۲). در این تصویرپردازی فضای جنگی پایگاه نظامی فرانسه به گونه‌ای ترسیم شده است که خواننده به راحتی آن را درک می‌کند. وطار در این تصویرسازی که رنگ و بوی حماسی نیز بدان اضافه شده، نابودی اردوگاه استعمارگران را توصیف می‌کند.

### ۳-۲-۶. بینامتنیت

توجه به بافت بینامتنی یکی از محورهای نظریه فرکلاف در سطح تفسیر می‌باشد که نویسنده در این اثر ادبی به صورت آگاهانه از متن قرآن و شخصیت‌های دینی (پیامبر اکرم، حضرت علی ع، حضرت موسی و عیسی) بهره گرفته است: ...لَقَدْ كَانَ النَّبِيُّ مُحَمَّدٌ مِثْلًا فِي كُلِّ حَيَاتِهِ...<sup>۳</sup>. (وطار، ۲۰۰۷: ۱۳۵)

نویسنده به اقتدای انقلابیون الجزایری به سیره پیامبر اکرم اشاره نموده که در واقع متأثر از نص صریح قرآن درباره اسوه بودن پیامبر است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱)

کثرت عبارات دعایی نیز یکی دیگر از نکات قابل توجه در رمان است که از شعله‌ور بودن آتش عشق و محبت صاحب اثر به درگاه خداوند سبحان حکایت دارد:

...الْحَمْدُ لِلَّهِ... (همان: ۱۸۹) وَاللَّهُ الْعَظِيمَ وَحَقَّ رَبِّي جَرَّبْتُهَا... (همان: ۱۵۹)... إِنْ شَاءَ اللَّهُ... (همان: ۱۹۵) و...

۱. و جامعه‌ای که عقب‌مانده‌تر از جوامع قرون وسطی است... جامعه‌ای رعیت‌پرور، عقب‌مانده و محدود.
۲. چندین انفجار پی‌درپی اتفاق افتاد، ... و سربازان از همه سو فرار می‌کردند، ...، برخی از آنان در اثر اصابت ترکش‌ها می‌افتادند و برخی دیگر فریاد می‌کشیدند...
۳. پیامبر الگویی در زندگی‌اش بود.

### ۳-۶. سطح تبیین

مهم‌ترین مؤلفه سطح تبیین، ایدئولوژی است. آنچه متن را می‌سازد و موجب فهم آن می‌شود، فقط رمزهای زبان‌شناختی و معانی زبانی نیستند، بلکه عوامل ایدئولوژیکی و طرز نگرش و یا بینش‌های نویسندگان و صاحبان افکار - که پنهان در آن سوی متون است - از عوامل مؤثر در تولید و درک متن محسوب می‌شوند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۴).

### ۱-۳-۶. ایدئولوژی

هر رمانی بر پایه یک ایده و اندیشه کلی شکل می‌گیرد و نویسنده افکار و باورهای خود را در قالب یک داستان بیان می‌کند. در واقع رمان، کاتالی است که طی آن شالوده‌ی اصلی از داستان‌نویس به دریافت‌کننده، انتقال می‌یابد (فاتح، ۱۹۹۹: ۴۵). و طار در بیشتر آثار خویش متن جامعه و واقعیت‌های اجتماع را شالوده و اساس بحث خود قرار می‌دهد (خضر، ۱۹۷۶: ۱۲۷). وی دارای اندیشه‌های سوسیالیستی است و این اندیشه را راه چاره‌ای برای کشورش الجزایر می‌داند (همان: ۱۲۸). این اندیشه سوسیالیستی در گفت‌وگوی میان‌لاز و سربازان فرانسوی مشهود است که شرایط فرار از موقعیت را برای آن‌ها تبیین می‌کند: «اللاز... إنا وحدنا... هيا تكلم... أنت تعيش في النكته، في مقر القيادة، تتصل بالمجندين المسلمين وتسلم لهم رسائل من الخارجين عن القانون، أو تقنعهم بالفرار، بدون رسائل، وحين تتفق مع ثلاثة أو أربعة تحدد لهم المكان والوقت بعد أن تتصل بالشخص الذي يتولى نقلهم أو إرسالهم أو تهربهم...» (وطار، ۲۰۰۷: ۷۰).

در متن فوق، می‌توان اندیشه سوسیالیستی افکار و طار را مشاهده کرد؛ چرا که وی طرفدار طبقات ضعیف بوده و نمی‌تواند حکومت بیگانگان بر کشورش را تحمل کند؛ لذا با استفاده از گفت‌وگوی بین «لاز» و سربازان فرانسوی می‌خواهد که آنان به مبارزان انقلابی بپیوندند تا این حکومت ظالمانه و خائنه را ریشه کن کنند.

افکار ارتجاعی و باورهای غلط در طول تاریخ باعث شکست در حرکت‌های مردمی شده است. با نگاهی عمیق به روند داستان از شروع تا پایان، می‌توان شاهد مواردی بود که باورهای نادرست مردم و قضاوت عجولانه آن‌ها به ضرر خودشان تمام شده است:

فَاللَّازُ بِوِاسِطَةِ الشَّقِيَّةِ أُمَّه، يَتَّصِلُ بِبَعْضِ الْعَاهِرَاتِ وَيَمْهَدُ لِهِنَّ سَبِيلَ الْإِتِّصَالِ بِالضَّابِطِ... بَيْنَمَا الْبَعْضُ يُرَى أَنَّ اللَّازَ يَعْمَلُ فِى مُخَابِرَاتِ الضَّابِطِ، يُحْصِي حَرَكَاتِ النَّاسِ وَيَقْتَضِي أَخْبَارَ الثَّوْرَةِ<sup>۱</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۱۲).

این متن گویای نگاه نادرست مردم و قضاوت غلط آنان در مورد لاز است. درحالی که لاز از طرف پدرش مأموریت یافته بود تا سربازان را از ارتش فرانسه فراری دهد تا آن‌ها به انقلابیون بپیوندند. وی در این راه جان خود را به خطر انداخته بود، اما مردم با عدم آگاهی از واقعیت ماجرا، در مورد او قضاوت نادرست داشتند. لاز خود را از سیاست به دور می‌داند و آن

.....  
۱. ای لاز... ما تنهائیم... بیا حرف بزن... تو در پادگان، در مقر فرماندهی زندگی می‌کنی. با مبارزان مسلمان تماس بگیر و پیامی را از سوی متمرّدان برای آن‌ها مخابره کن یا بدون پیام آن‌ها را راضی به فرار کن و هنگامی که با سه یا چهار تن از آن‌ها هماهنگ کردی، بعد از آنکه با شخصی برای انتقال آن‌ها یا فرستادنشان یا فراری دادنشان تماس گرفتی، برای آن‌ها مکانی و زمانی را مشخص کن....

۲. لاز به واسطه مادر خود با برخی از زنان بدکاره ارتباط برقرار کرد و راه ارتباط آنان را با افسر هموار نمود... درحالی که برخی دیگر اعتقاد داشتند که لاز در زمره جاسوسان افسر می‌باشد و فعالیت‌های مردم و اخبار انقلاب را زیر نظر می‌گیرد.

را بیماری می‌انگارد که هر انسانی بدان سو حرکت کند، بدان مبتلا می‌شود: السیاسةُ مرضٌ و زیدانُ أعدی أخاه... و لو أن کلَّ ما یقولانه صحیحٌ، الفرنسيونَ لیسوا منّا. هذا أعرفه من قبل و لقد جاؤوا بلادنا ظلماً، وجاءوا من بلدٍ آخر یسمی فرنسا... کان مُمکناً أن نذهبَ إليه نحنُ قبلَ أن یفکروا هم فی القدومِ إلینا...<sup>۱</sup> (همان: ۳۷).

در ادامه داستان هم این نوع نگاه به لاز دیده می‌شود. تفاوت نگاه مردم الجزایر با دیگر ملت‌ها در معنای کلمه لاز در عربی و انگلیسی جلوه می‌نماید:

آه، أيُّها اللاز! حتی اسمک لا یحملُ معنیً محدوداً... فی القديم کان یطلقُ علی الجزءِ الأذنی من العملِ النقدیة. المعنی المجازی للآز هو البطل فی غیر لغة قومہ، أما عندهم، فإنه اللقیط، أو کلُّ أعور یتشاءم منه<sup>۲</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۶۱).

نویسنده با بیان معنای کلمه «لاز» در پی تحلیل طرز تفکر مردم در مورد یکی از قهرمانان کشور است. در حالی که لاز از نظر مردم کشورش یک انسان ناهنجار است و تنها در پی آزار مردم است، اما او در واقع شخصیتی والا دارد. با نگاهی عمیق به روند داستان می‌توان دریافت که ایدئولوژی حاکم بر رمان همان افکار و اندیشه‌های نادرست است. افکاری که قهرمانی را انسانی رذل جلوه می‌دهد و مبارز را به دست مبارزی دیگر از بین می‌برد. نویسنده با استفاده از ماجراهای رمان خویش در پی انتقال این مفهوم والا است که برای هر حرکتی باید ابتدا اندیشه و تفکر خویش را اصلاح کنیم که بدون اصلاح افکارمان هرگز جامعه اصلاح نخواهد شد و هیچ حرکتی به ثمر نخواهد نشست. وطار به عنوان نویسنده‌ای متعهد به مسائل کشورش در پی آن بود تا در رمان‌های خود به واقعیت پیش روی مردم خود بپردازد تا هم‌نوا با مردم رنج کشیده کشور خویش در پی آزادی آن بکوشد و از درد و رنج‌های آنان سخن براند.

### ۶-۳-۲. ایدئولوژی انقلابی

انقلاب الجزایر با مبارزات انقلابی مسلحانه و ایدئولوژی‌های مختلف خود توجه وطار را به خود جلب کرد. وطار از طریق بافت روایت خود، فداکاری‌ها و جان‌باختگی‌های ملت الجزایر را برای رسیدن به استقلال به تصویر کشید. وی ایشارگری‌های ملتی را به تصویر کشید که امید داشت از ورای انقلاب، به سیطره یک قرن و نیم استعمار فرانسه پایان دهد و از بلاهایی که استعمار بر سر آن‌ها نازل کرده است رهایی یابد. او از طریق «حمو»، پیامدهای استعمار را تشریح کرده و مردم عادی روستا را به حضور در انقلاب تشویق و ترغیب می‌کند. وطار، الجزایر را به انسانی تشبیه می‌کند که با گذشت سال‌ها از عمر خود همچنان در کودکی خود باقی مانده است: هذا الولید، آه، الجزایر، هذا الولید لایزال فی المهد. بل لا یزال جنیناً نطفة فی أحشاء تاریخ، یکتمل نموه ویولد ویرضع ویحبو ویسقط مرآت و مرآت، ثم ینهض علی قدمیه، یمشی علی الجدران، یقف معتدلاً، یسقط و ینهض ویجرح من جبهته... حتی تشند عضلاته. إذ ذاک یشب ویجری. وسیظل طیلئ سنوات طفلاً

.....  
۱. سیاست یک بیماری است و زیدان برادر خود را بدان مبتلا کرد... اگر هر آنچه را که آن‌ها می‌گویند درست باشد، فرانسوی‌ها از ما نیستند. این چیزی است که از قبل می‌دانستم. آن‌ها با زور و ستم وارد کشور ما شدند و از سرزمین دیگری آمدند که فرانسه نام داشت... ممکن بود که ما سمت آن‌ها برویم، قبل از اینکه آن‌ها در آمدن به سوی ما بیندیشند...

۲. آه، ای لاز، حتی نام تو هم معنای مشخصی ندارد. در قدیم به پایین‌ترین نوع سگه گفته می‌شد. اما معنای مجازی آن در زبان غیر عربی، قهرمان است. اما برای آن‌ها (عرب‌زبانان) به معنای بیجه سرراهی است یا هر چیزی بی‌ارزشی است که از آن بدشان بیاید.

صغیراً، سیظلُ بلا منطقٍ زمناً طویلاً... من یدری أی عذابٍ یلحقُه أثناءَ مرحلةِ المراهقة؟<sup>۱</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۹۰).

واقعیت الجزایر همانی بود که وطار ترسیم کرده است. استعمار و عاملان او، مانع رشد این کشور شده و زبان سخن را از مردمان آن گرفتند. کشوری که پیش از استعمار به جریان عادی خود ادامه می‌داد، ناگهان از رشد باز ایستاد و در برهه‌ای از تاریخ توقف کرد. مثل کودکی عقب‌مانده که رشدش در مرحله‌ای از زمان متوقف می‌شود. اگر این‌گونه پیش برود چه خواهد شد. حال دیگر مردم به مرحله‌ای رسیده‌اند که بتوانند زبان سخن گفتن را به این کشور بازگردانند و آن را از تاریکی بیرون بکشند.

آه، فی هذه المرحلةِ یجبُ أن نکونَ نحنُ. قرنٌ وقرابةُ النصفِ من الاستعمارِ المباشر... ومجتمعٌ أشدُّ تخلفاً من مجتمعاتِ القرونِ الوسطی. مجتمعٌ... ضاربٌ فی التأخرِ والانغلاقِ<sup>۲</sup> (وطار، ۲۰۰۷: ۹۰). زیدان کشور خویش را غرق در عقب‌ماندگی می‌بیند. فقر اقتصادی و فرهنگی، عدم بهداشت و دانش، حضور زبان بیگانه و ممنوعیت آموزش، خودباختگی فرهنگی و هویتی، تفاوت طبقاتی و نژادی و جان دادن تدریجی کشور در مقابل پیروزمندان استعمار، همگی در تار و پود این کشور نفوذ کرده است. باید برای خلاصی از آن فکری کرد، باید آتش انقلاب را به جان استعمارگر انداخت.

## ۷. نتیجه

رمان «اللاز» از رمان‌های سازگار با الگوی فرکلاف در گفتمان انتقادی است که تحلیل آن در سه سطح این الگو، نتایجی را در پی داشته است: در سطح توصیف، به مهم‌ترین مفاهیم و واژگان تأثیرگذار در سیر فرآیند صوری داستان همچون انقلابیون، ایثار و گذشت، هویت و جنسیت ... اشاره شده و در خصوص انسجام ساختاری میان کلمات و عبارات هم دو عنصر پرکارآمد تکرار و ارجاع بیان شده است، عناصری که در تفهیم بهتر معنا به مخاطب نقش بارزی داشتند. در این اثر ادبی، نویسنده زبان را وسیله عینیت بخشیدن به اندیشه‌ها و تولیدات فکری خود قرار داده و خواننده را به اندیشیدن واداشته تا شاید گامی به سوی زندگی متعال بردارد. صداقت در لحن، اسلوب متین و زبان ساده، بر توانایی و مهارت نویسنده دلالت دارد. اهتمام به میراث فرهنگی و فولکلوریک الجزایر در این اثر داستانی، یکی دیگر از نکات قوت آن محسوب می‌شود.

بررسی رمان «اللاز»، حاکی از آن است که وطار از طریق بازنمایاندن زندگی فرودستان تحت سلطه استعمار فرانسه، گفتمانی انتقادی را در رمان عرضه کرده است. بیگانگان در قالب قدرت، سرکوب و حشیانه، شکنجه، استفاده از ابزارآلات جنگی و فناوری، به عنوان فرادستان جلوه‌گری می‌کنند. در کنار آن با به تصویر کشیدن زندگی مردم روستا در برهه‌ای

.....  
۱. این نوزاد، آه، الجزایر، این نوزاد همچنان در گهواره است؛ بلکه همواره جنینی است که به صورت نطفه‌ای در دل تاریخ است، رشدش کامل می‌شود و شیر می‌خورد متولد می‌شود و چهار دست‌وپا راه می‌رود، بارها و بارها زمین می‌خورد، سپس روی پاهایش می‌ایستد، به دیوار تکیه می‌کند، راست قامت می‌ایستد، می‌افتد و به پا می‌خیزد، پیشانی‌اش زخمی می‌شود و ... تا این که قوی و نیرومند می‌گردد. پس از آن، او می‌پرد و راه می‌رود؛ اما سال‌هاست که همچنان کودک باقی مانده است، مدت‌های طولانی بدون اینکه حرف بزند پیش خواهد رفت. چه کسی می‌داند در نوجوانی‌اش چه بر سر او خواهد آمد؟

۲. آه، در این مرحله ما باید خودمان باشیم. نزدیک یک قرن و نیم استعمار مستقیم... و جامعه‌ای که عقب‌مانده‌تر از جوامع قرون وسطی است... جامعه‌ای عقب‌مانده و محروم.

خاص از تاریخ اشغال الجزایر توسط فرانسه و پیامدهای دردناک آن، فقر عامه مردم، استثمار مردم بومی و تحقیر آن‌ها را، به عنوان زیرشاخه‌هایی از فرودستی مورد توجه قرار داده است.

در سطح تفسیر، بافت زمانی رمان به دوران اشغال الجزایر بازمی‌گردد و صحنه‌پردازی‌های داستان نیز تحت تأثیر درگیری‌های میان انقلابی‌ها و استعمارگران بیشتر رنگ و بوی حماسی و جنگی دارد و فضای ملتهب روستا را به تصویر کشیده است. بافت بینامتنی هم یکی دیگر از محورهای نظریه فرکلاف در سطح تفسیر است که وطار در این حوزه نیز به صورت آگاهانه از متن قرآن و شخصیت‌های دینی (پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت موسی و عیسی) بهره گرفته است. در سطح تبیین که بیانگر ایدئولوژی نویسنده است، از افکار ارتجاعی و عدم واقع‌بینی مردم انتقاد شده است. نویسنده با اختصاص بخش آغازین و پایانی داستان به بیان افکار سنتی و نیز سطحی‌نگری مردم، آن را دلیل شکست برخی حرکت‌های مردمی و مبارزات آنان دانسته است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵ ش). **تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. آقاگل زاده، فردوس؛ غیاثیان، مریم‌السادات. (۱۳۸۶ ش). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، **مجله زبان و زبان‌شناسی**، سال سوم، شماره اول، پیاپی پنجم.
۴. ابن منظور، جمال‌الدین. (۱۹۹۲ م). **لسان العرب**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵. خضر، سعاد محمد. (۱۹۷۶ م). **الأدب الجزائري المعاصر**، بیروت: المكتبة العصرية.
۶. دهنوی، محمود؛ خزلی، مسلم؛ سلیمی، علی. (۱۳۹۶). «کاوشی در معانی ثانوی و داده‌های درونی رمان زقاق‌المدق بر پایه گفتمان کاوی انتقادی فرکلاف» **مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی**، شماره ۴۲، صص ۱۳۱-۱۵۱.
۷. روشنفکر، کبری و همکاران. (۱۳۹۵). «رویکرد واقع‌گرایانه تاریخی در رمان زلزال طاهروطار»، **مجله جامعه‌شناختی تاریخی**، دوره ۸، ش ۱.
۸. زوزو، نصیره. (۲۰۱۱). «الشخصیات الثوریة فی رواية اللاز للطاهروطار» **مجله المخبر، ابحاث فی اللغه والادب الجزائری**، جامعه محمدخضر، العدد السابع.
۹. سرایی، حسن و همکاران. (پاییز ۱۳۷۸). «روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تأکید بر روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، **پژوهش‌نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲، صص ۸۳-۱۰۵.
۱۰. سعد، سلمی محمود. (۲۰۰۰ م). «الثورة الجزائریة فی روایات الطاهر وطار»، بیروت: مكتبة عين الجامعة.



۱۱. سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی.
۱۲. عباسی، نسرین؛ عبیدی، صلاح‌الدین. (۱۳۹۱). «بررسی رمان الصبارسحر خلیفه بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» مجله نقد ادب معاصر عربی، سال دوم، ش ۳.
۱۳. عبیدی، صلاح‌الدین. (۱۳۹۱). «رویکرد جامعه‌شناختی بر آثار طاهروطار مورد پژوهانه: رمان الزلزال بر اساس الگوی لوسیان گلدمن»، مجله لسان مبین، ش ۷.
۱۴. فاتح، عبدالسلام. (۱۹۹۹ م). الحوارالقصی، تقنیاته و علاقاته السردیه، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
۱۵. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹ ش). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه: فاطمه شایسته پیران و دیگران، ویراستاران: محمد نبوی و مهراں مهاجر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۶. کامبل، روبرت. (۲۰۱۰ م). أعلام الأدب العربی المعاصر، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۷. ماله، آلبر. (۱۳۴۰ ش). تاریخ قرن نوزدهم و معاصر، ترجمه: حسین فرهودی، تهران: انتشارات ابن سینا.
۱۸. مرتاض، عبدالملک. (۱۹۹۱ م). فی تقنیات السرد، الکویت: عالم المعرفة.
۱۹. ملاابراهیمی، عزت؛ آبیاری، محیا. (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان انتقادی اشعار زینب حبش»، مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، ش ۲.
۲۰. ملاحی، علی. (۲۰۱۱ م). هكذا تكلم الطاهر وطار، تلمسان: دار الثقافة.
۲۱. نظری، علیرضا؛ پروینی، خلیل؛ روشنفکر، کبری؛ آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۰). «زبان‌شناسی متن و الگوی انسجام در آرای نحوی، بلاغی و نقدی عربی قدیم» مجله ادب عربی، شماره ۳، صص ۸۳-۱۱۲.
۲۲. وطار، الطاهر. (۲۰۰۷ م). اللاز، بیروت: الدار العربیة للعالم.
۲۳. یورگنسن، ماریان و لوییز فیلیس. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.